

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره هفتم ، شماره بیست و پنجم ، پاییز ۱۳۹۶

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۷/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۰۹/۱۵

صفحات: ۱۰۴ - ۷۷

عوامل اجتماعی موثر بر قانون‌گریزی و تأثیر آن بر امنیت

مطالعه موردی شهرستان سمنان

سید محمد شاه‌چراغ*^۱

چکیده

نظم و امنیت یکی از ملزومات زندگی اجتماعی است و افراد در این شرایط هنجارها، ارزش‌ها، آداب و قوانین اجتماعی را فرا می‌گیرند و آن را جزئی از شخصیت خود قلمداد می‌کنند. زندگی در جوامع امروزی بدون وجود قانون که روابط افراد و نهادها و مؤسسات را تنظیم می‌کند، تقریباً غیر ممکن است. از طرفی بی‌قانونی نظم و امنیت هر جامعه‌ای را به شدت تهدید می‌کند. پژوهش حاضر نیز در پی پاسخ به این سوال است که عوامل فردی و اجتماعی قانون‌گریزی کدام است و این فرآیند چه تأثیری بر امنیت اجتماعی می‌گذارد؟ روش تحقیق پیمایشی و داده‌ها نیز از طریق مصاحبه و تکمیل پرسشنامه جمع‌آوری گردید. جامعه آماری را شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن شهر سمنان تشکیل می‌دهند و نمونه‌گیری نیز به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شد. چارچوب نظری تحقیق براساس نظریات پیوند سرمایه اجتماعی دورکیم و مرتن و نظریه بوم‌شناختی مکتب شیکاگو و نظریات جامعه‌شناختی حوزه امنیت طرح‌ریزی گردید. یافته‌های پژوهش از وجود رابطه مستقیم و معنادار بین سرمایه اجتماعی و بی‌سازمانی اجتماعی با قانون‌گریزی حکایت دارد. همچنین مهاجران و افراد غیر بومی پیوند اجتماعی پایین‌تری نسبت به اهالی بومی منطقه، با جامعه و دیگران دارند و از این رو قانون‌گریزی بیشتری در رفتارشان مشاهده می‌شود و در صورت ادامه این شرایط افراد قانون‌گریز به نوعی سرگشتگی و درماندگی مبتلا می‌شوند و قانون‌شکنی آگاهانه، عمدانه و اعتراضی در جامعه نمود پیدا خواهد کرد که و این آنومی و بی‌هنجاری جامعه را به سوی ناامنی پیش خواهد برد.

واژگان کلیدی: قانون‌گریزی، سرمایه اجتماعی، بی‌سازمانی، امنیت، سمنان

^۱ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

مقدمه

امنیت واژه‌ای پیچیده و به لحاظ کاربرد از گستردگی وسیعی برخوردار است. از درونی‌ترین افکار و احساسات بشری گرفته تا مهمترین مسائل بین دولت‌ها دربرگیرنده مفهوم امنیت است. فرهنگ لغت آکسفورد، امنیت (Security) را چنین معنا می‌کند: رهایی از نگرانی‌ها و ایمنی در مقابل خطرات و همچنین معیارهایی قراردادی برای تضمین ایمنی یک کشور، شخص یا چیزی که از ارزشی برخوردار است. همچنین فرهنگ معین امنیت را (ایمن شدن، بی‌بیمی و در امان بودن) معنا کرده است.

جوامع در حال گذار به دلیل تغییرات متنوع و متعدد معمولاً با تضادهای مختلف در ساختارها و زیرساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مواجهند. عدم تطابق و رشد ناهماهنگ عناصر مادی و غیرمادی فرهنگ در این جوامع، موانع و مشکلاتی را در سازگاری اجتماعی برای آن‌ها به وجود آورده است. در چنین جوامعی افراد به سختی و به زحمت می‌توانند خود را با محیط سازگار و با تغییرات و دگرگونی‌های تازه و سریع همراه کنند و لذا از این حیث دارای تاخرهای فرهنگی، بی‌هنجاری و ناهنجاری، کشاکش-های مختلف اجتماعی، از خودبیگانگی و در سطحی وسیع‌تر، بی‌سازمانی و از هم گسیختگی اجتماعی هستند. این بی‌نظمی‌ها و بی‌سازمانی‌ها منجر به عدم تعادل و ثبات اجتماعی در مقاطع مختلف زمانی و افزایش آسیب‌پذیری‌ها و تحمیل بحران‌های مختلف اجتماعی شده است که در صورت عدم توجه و برنامه‌ریزی صحیح می‌تواند نه تنها امنیت ملی - اجتماعی که امنیت وجودی و هستی‌شناختی آن‌ها را با تهدیدی جدی مواجه کند.

ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه و گذار از مرحله سنتی به مدرنیسم نیز از این قاعده مستثنی نبوده و با تغییرات و دگرگونی‌های سریع و وسیعی در ساختارهای اصلی

خود به خصوص ساختار فرهنگی و اجتماعی مواجهه بوده است. در نتیجه این تغییرات شتاب آلود و تاخرساختاری موجود در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی متنوعی بر جامعه ایران تحمیل شده است. آسیب‌ها و تهدیداتی از قبیل؛ بیکاری، بحران هویت، فرسایش سرمایه اجتماعی، خودکشی، افزایش جرایم جنسی و روسپیگری، دختران فراری، کودکان خیابانی، فرارمغزها، فقر، شکاف طبقاتی، نابرابری، بی‌عدالتی اجتماعی، فساد مالی و اداری، رشوه و ارتشا، قاچاق انسان، خشونت و پرخاشگری، طلاق، اعتیاد، جرایم و انحراف‌های اجتماعی، تمایز نسلی، از خودبیگانگی و سرگشتگی فرهنگی، عدم وجدان اخلاق و تعهد کاری، مهاجرت روستا به شهر و حاشیه‌نشینی.

یکی از ملزومات زندگی اجتماعی، نظم و امنیت است که افراد در این شرایط هنجارها، ارزش‌ها، آداب و قوانین اجتماعی را به تدریج فراموش می‌گیرند و آن را جزئی از شخصیت خود قلمداد می‌کنند. پر واضح است که زندگی بدون مقررات و قوانین، نظم و امنیت هر جامعه‌ای را تهدید و باعث سلب آرامش و آسایش افراد آن جامعه می‌شود. زندگی در جوامع امروزی بدون وجود قوانین که روابط افراد و نهادها و مؤسسات را تنظیم می‌کند، تقریباً غیر ممکن است.

یکی از مشکلات عمده اکثر کشورهای امروزی به لحاظ حقوقی، میزان و درجه پذیرش واقعی قوانین از سوی افراد جامعه است. هر اندازه میزان پذیرش قانون از سوی اکثریت افراد جامعه کمتر باشد، امکان اجرای درست آنها فراهم نخواهد شد، اجرا نشدن قوانین در سطوح خرد و کلان جامعه در بلند مدت مشروعیت قوانین موجود را زیر سؤال می‌برد. این مسئله می‌تواند در ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی و اخلاقی جامعه اثر گذاشته و احیاناً از هم‌گسیختگی، بی‌سازمانی اجتماعی و ناامنی را به دنبال داشته باشد (فخرایی، 1378:64).

جامعه ایرانی بیش از یک قرن است که دارای مجلس قانون‌گذاری است. در حقیقت از زمان انقلاب مشروطیت به این طرف و با تفکیک قوا، اصل بر این قرار گرفت که نظم اجتماعی نه بر اساس خود رائی حاکمان، بلکه براساس قوانین مصوب مجلس برقرار شود.

اما به دلایل متعدد اجتماعی و سیاسی همواره از عدم توجه به قوانین رنج برده‌ایم. یکی از این عوامل بدون تردید ورود جامعه ایرانی به عرصه نوسازی و گذار از سنت به مدرنیته است. میدانی که ارزش‌ها و معیارهای سنتی مستقر در جامعه کهن ایرانی را متزلزل و ارزش‌های جدیدی را مطرح نموده است. در این تحول که اغلب جوامع در دوره‌های تاریخی مختلف پای بر آن نهاده و می‌نهند، ساختار روابط اجتماعی، سبک زندگی، ساختمان شهری، سازمان اجتماعی و بسیاری از معیارها و موازین زندگی اجتماعی دچار تحول می‌شود. در این شرایط همبستگی اجتماعی بین اعضای جامعه و درک متقابل آن‌ها تأثیر بسزایی بر اجرای مناسب نقش‌ها و انجام وظایف دارد و کاهش این همبستگی و نبود سرمایه اجتماعی و از طرفی بی‌سازمانی ناشی از تغییر در ساختار و سبک زندگی عاملی مؤثر بر حاشیه رفتن قواعد اجتماعی و گرایش افراد به قانون‌شکنی است.

اعضای تمام جوامع از نوع و میزانی از همبستگی برخوردارند. در جوامع جدید باورها، عقاید و ارزش‌های مشترک و همگانی سبب می‌شود، چیزی معادل «وجدان جمعی» حاکم بر جوامع کهن در آن‌ها به وجود آید. این سپر ارزشی و اعتقادی باعث می‌شود که احساس یگانگی و وابستگی افراد در جامعه افزایش یابد. این احساس خود موجب مشارکت بیشتر مردم شده و به آن‌ها می‌آموزد که جامعه، شهر و محیط شهری از آن خود آن‌هاست و مشارکت در امور مختلف و رعایت قواعد موجود سعادت و رفاه بیشتری را برای خود و دیگران به دنبال دارد. احساس نفع مشترک و همبستگی اجتماعی و به تبع آن احساس تعلق به محیط در جوامع کنونی به‌هیچ‌وجه عمومیت ندارد و چنانچه نزد کسانی نیز یافت شود، بسیار ضعیف است (رجبی، ۱۳۸۹: ۲۹). برای این امر علل - فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی متعددی را می‌توان برشمرد.

در همین راستا اجرای برنامه‌های عمومی، فعالیت نهادهای عام‌المنفعه و خیریه، تبعیت از قوانین و اجرای کامل قواعد جمعی به‌صورت داوطلبانه در شهرهایی که بافت جمعیتی ثابت و سنتی خود را حفظ کرده به‌مراتب بهتر از شهرهای مدرن و جدید شکل می‌گیرد. نمونه بارز این ادعا شهرهای جدید و مناطق مسکونی حومه کلان‌شهرهاست که با جمعیتی

اغلب مهاجر در صدر رتبه‌بندی میزان وقوع جرائم، آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی که نقض صریح قوانین است، قرار دارند.

سمنان یکی از وسیع‌ترین شهرهای کشور است که حدود ۱/۱۴ درصد مساحت کشور را به خود اختصاص داده است. نزدیکی این شهرستان به پایتخت و همچنین قرار گرفتن آن در مسیر محورهای بین‌المللی تهران-مشهد و شمال-جنوب، آن را به مرکز تجمع صنایع، کارخانه‌ها و دانشگاه‌ها مبدل ساخته است.

طبق بررسی‌های انجام‌شده جمعیت استان سمنان از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰ از ۵۸۹۷۴۲ هزار نفر به ۶۳۱۲۱۸ نفر رسیده است. (و با توجه به رشد ۱/۷ درصدی جمعیت کشور می‌توان برآورد کرد این رقم در سال ۱۳۹۵ به ۶۸۰ هزار نفر افزایش یابد). به نظر می‌رسد تغییرات جمعیتی شدیدی که بخش اعظم آن ناشی از ورود مهاجران به سمنان است، علیرغم آنکه توسعه شهری و صنعتی به‌ویژه در دهه گذشته برای این منطقه به همراه داشته است؛ سازمان، همبستگی و سرمایه اجتماعی مردم این شهر را تحت تأثیر قرار داده است (معاونت برنامه‌ریزی استانداری سمنان؛ ۱۳۹۲). به طوری که احساس عدم همبستگی و تعلق در بین شهروندان به میزانی رسیده که قانون‌گریزی و عدم اجرای قواعد اجتماعی به رفتاری معمول بدل گردیده است. به طوری که از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۳۹۱ میزان تماس-های شهروندان سمنانی با مرکز فوریت‌های پلیس رشدی ۴۰ درصدی برای هر سال را نشان می‌دهد که به طور طبیعی اغلب تماس‌ها گزارشی از یک قانون‌شکنی و یا رفتار انحرافی بوده و به عملیات پلیسی منجر شده است (روابط عمومی فرماندهی انتظامی استان سمنان؛ ۱۳۹۵). از طرفی روند رو به افزایش رفتار قانون‌گريزانه شهروندان به گونه‌ای بوده است که مراجعه مردم به دادگستری و تشکیل پرونده‌های قضایی را طی ده سال گذشته به ۲/۵ برابر افزایش داده است.

بنابراین طبق آمارهای ذکر شده و بسیاری مصادیق دیگری که در هیچ نهاد، سازمان و یا مرکز آماری به ثبت نمی‌رسد، ولی همگان به صورت مستمر و روزانه شاهد آن هستیم، رفتار قانون‌گريزانه روبه افزایش است و افراد قانون‌گریزی را از طریق عمل جانشین‌سازی

و توجیه رفتار دنبال می‌کنند که لازم است عمده‌ترین عوامل خرد و میانی مرتبط با آن بررسی شده و سهم هر یک از عوامل تبیین گردد تا در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی بتوان اولویت‌گذاری اجرایی انجام داد.

مدیریت اجتماعی و فرهنگی و کنترل آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در چنین جامعه‌ای که دیگر همچون سال‌های گذشته جمعیتی همگون و متجانس و ساختار منسجم ندارد، اهمیت و حساسیت ویژه‌ای دارد. اهمیت و حساسیتی که در پرتو انجام مطالعات علمی و کاربردی می‌توان برای آن راهکارهای مناسب یافت.

پیشینه پژوهش

محسنی (۱۳۷۹) به بررسی «گرایش به اطاعت از قانون» پرداخته است. روش تحقیق پیمایشی و نمونه آماری پژوهش فوق را ۳۵۴۰ نفر از افراد ۱۶ سال به بالای ۱۵ شهر کشور تشکیل داده‌اند. محقق در پایان مطالعه توصیفی-مقطعی خود به این نتیجه رسیده است که در ایران تمایل زیادی به قانون‌گرایی وجود ندارد. همچنین یافته‌های پژوهش وی نشان داد که بین جنسیت و وضعیت تأهل پاسخگویان و نگرش آنها در رابطه با اطاعت از قانون رابطه معناداری وجود نداشت. ولی بین سن پاسخگویان و اطاعت از قانون رابطه معنی‌داری وجود داشت.

رضایی (۱۳۸۴) در زمینه «میزان و نوع عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی» به تحقیق پرداخته است. یافته‌های بدست آمده از تحقیق وی نشانگر آن است که احساس انومی، میزان رواج زور در جامعه، خاص‌گرایی، تصور از میزان اعمال نظارت و اعتماد به نظام سیاسی، بیشترین تأثیر را نسبت به سایر متغیرها بر قانون‌گریزی ابزاری داشته است. متغیرهای ذکر شده در مجموع ۲۹ درصد واریانس قانون‌گریزی ابزاری را تبیین می‌کنند.

کلاتری، ربانی و صداقت (۱۳۸۴) «عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی و قانون‌گریزی» را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های این پژوهش پیمایشی نشان می‌دهد که قانون‌گرایی زنان و شهروندان متأهل بالاتر از مردان و شهروندان مجرد است. همچنین قانون‌گریزی طبقات پایین نیز نسبت به طبقات متوسط و بالا بیشتر بود. قانون‌گرایی به متغیرهای شهروندی، مشارکت اجتماعی، نگرش دینی و نگرش به قانون بستگی دارد.

فیروزجائیان (۱۳۸۹) نیز به بررسی «قانون‌گریزی از منظر نظریه عدالت رویه‌ای» پرداخته است. یافته‌های این پژوهش که به صورت پیمایشی انجام شده نشان می‌دهد که وقتی افراد رویه‌های اجرای قانون را منصفانه و عادلانه ندانند، قانون‌گرایی آنان کاهش می‌یابد و این در حالی است که فقدان عدالت رویه‌ای در اجرای قانون موجب بی‌اعتمادی و عدم مشروعیت مجریان قانون نزد مردم شده که این خود موجب قانون‌گریزی افراد در جامعه می‌شود.

علیوردی‌نیا (۱۳۷۸) در تحقیقی تحت عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی میزان قانون‌ستیزی در استان مازندران» نشان داد از میان سه متغیر صنعتی شدن و میزان سواد و توسعه شهری در استان مازندران، مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده قانون‌ستیزی شهروندان، متغیر صنعتی‌شدن است.

واحدی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان آذربایجان غربی» نشان دادند که از بین عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی، عمومیت قانون، مذهب افراد، شناخت فرد از قانون و ترس از مجازات، بیش‌ترین تأثیر را بر قانون‌گرایی داشته‌اند و مهم‌ترین آن‌ها، مؤلفه عمومیت قانون بوده است.

ریچارد و همکاران (۲۰۰۴) در تحقیقی با عنوان «تأثیرات کار غیرقانونی و بازدارنده‌های قانونی؛ تحلیل تشخیصی از کارنامه غیرقانونی در هندوراس و نیکاراگوئه» به این نتیجه رسیدند که میزان قانون‌گرایی افراد تابع امور شهروندی و پیروی از الگوهای شهری است. منظور از امور شهروندی عبارت است از ارتباطات اجتماعی با دیگران، توانایی استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، خودآموزی و تلاش در جهت ارتقای مهارت‌های

ارتباط با دیگران و کار با ابزارهای زندگی و الکترونیکی، احساس توانمندی حل مشکل و دامنه کار با دیگران که نتیجه آن، دربرگیرنده آثار مثبت شهروند به قانون‌گرایی است(شاه-آبادی و ترکان، ۱۳۹۰).

لیوکی‌نگ‌شانگ، وانگ ژیو شو (۲۰۱۰) در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر بر قانون‌گرایی» نشان دادند که بین میزان شناخت منفی از اعمال قانونی و تمایل به قانون‌گرایی ارتباط معکوس وجود دارد. همچنین بین میزان تجربه مثبت از اعمال قانونی، میزان دریافت شناختی از مشروعیت قانون، میزان برداشت از تجربه قانون‌گرایی و میزان آگاهی از تنبیه کیفری رفتار غیرقانونی و قانون‌گرایی ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد.(همان)

مبانی نظری پژوهش

دانشمندان علوم اجتماعی برای تبیین رفتارهای نابهنجار و تخلف‌آمیز افراد براساس رویکردهای نظری، تعبیر و تفسیرهای مختلفی ارائه می‌دهند. با توجه به مباحث مطرح شده در مبانی نظری و شرایط جمعیتی و شهری سمنان که می‌توان آن را شهری در حال گذار از دوران سنتی به مدرن لقب داد، چهارچوب نظری این تحقیق ترکیبی برگرفته از نظریات سرمایه اجتماعی هیرشی، بی سازمانی اجتماعی مکتب شیکاگو دیدگاه تضادگرایان و قانون‌گریزی ابزاری و اعتراضی بنا شده است.

سرمایه اجتماعی: بر اساس نظریه «هیرشی و سمپسون» سرمایه اجتماعی دوستی‌های محلی، دلبستگی افراد به اجتماع و مشارکت در فعالیتهای محلی را افزایش می‌دهد و کنترل اجتماعی غیررسمی به وجود می‌آورد و کنترل اجتماعی و پیوندهای اجتماعی، از عناصر کلیدی سرمایه اجتماعی هستند و همچنین از عناصر ذاتی تئوری محدودیت

اجتماعی‌اند. مردم به وسیله پیوندشان با جامعه کنترل می‌شوند. در این نظریه به نقش کنترل اجتماعی غیررسمی تأکید می‌شود. هیرشی بر این باور است که رفتارها و کنش‌های انحرافی نتیجه گسستگی یا تضعیف رابطه، پیوستگی و تقید افراد به جامعه است. هنگامی که پیوستگی و رابطه با دیگر اعضای جامعه قوی است، افراد کنترل خواهند شد و متعاقباً احتمال نقض قوانین و انحراف کم‌تر می‌شود.

هیرشی در نظریه پیوند اجتماعی معتقد است؛ افرادی که پیوندی قوی با جامعه دارند از شکستن قواعد و معیارهای آن خودداری می‌کنند و آنهایی که با هنجارهای جامعه پیوند ضعیفی دارند و یا هیچ پیوندی را با آنها ندارند برای کج‌روی مستعدتر و آزادترند. هیرشی عناصری از قبیل «دلبستگی فرد به خانواده و نهادهای اجتماعی، تعهد نسبت به جامعه، مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و باور و وفاداری فرد به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و اجتماعی» را پیوند دهنده افراد به یکدیگر و جامعه می‌داند. هر اندازه گروه‌هایی که فرد به آن‌ها وابسته است ضعیف و ناتوان شوند فرد به آنها کمتر وابستگی دارد در نتیجه به «خود» وابسته می‌شود و تنها قواعد رفتاری که بر مبنای منافع شخصی‌اش استوار است می‌پذیرد.

بی‌سازمانی اجتماعی: پیروان نظریه «بی‌سازمانی اجتماعی» معتقدند که پدیده‌هایی نظیر مهاجرت، صنعتی شدن و رشد سریع شهری موجبات زیر پا گذاشتن یا عدم پیروی از الگوهای تثبیت شده و کاملاً سازمان یافته زندگی را فراهم می‌آورند و این الگوها به طور متقابل به وسیله قواعد رفتاری که از توافق عمومی برخوردارند، هدایت می‌شوند. قواعد مذکور در مواقعی که تغییر اجتماعی سریع به وجود می‌آید از هم پاشیده می‌شوند. از این رو، مردم معیارهایی را که به روابط و رفتارهای آنها نظم می‌بخشد، از دست می‌دهند. به دنبال بی‌سازمانی اجتماعی حاصل در مناطقی که به وسیله جمعیت‌های ناپایدار مشخص می‌شوند، زمینه‌های مناسبی برای تخطی از قانون به وجود می‌آید.

دیدگاه تضادگرایان: استدلال پیروان این نظریه‌ها در مورد اطاعت از قانون این است که دستگاه حقوق جامعه در این جهت طراحی شده است که نظام عدم تساوی را تضمین و

تقویت کند. قانون ابزاری است که از طریق برگزیدگان به منظور سلطه و نظارت بر طبقات پایین جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد (محسنی، ۱۳۷۸: ۸۱).

قانون‌گریزی ابزاری: بنابر این دیدگاه کنش‌گر در موقعیت کنش به محاسبه سود و زیان ناشی از عدم اطاعت از قانون می‌پردازد و به این نکته آگاه می‌شود که کنش غیرقانونی در مجموع سود بیشتری برای او در پی دارد. این نوع کنش دقیقاً آگاهانه است. عوامل ساختاری و اجتماعی متعددی از جمله؛ ناکارآمدی نهادهای تشخیصی، ناکارآمدی نهادهای قضایی و تنبیهی و اوضاع نابسامان جامعه شرایط شکل‌گیری این نوع کنش را فراهم می‌سازند (رضایی، ۱۳۸۴: ۴۵).



روش پژوهش

روش بکار رفته در مطالعه حاضر، روش پیمایشی مقطعی توصیفی تحلیلی است و برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه با گویه‌های بسته استفاده شده است.

جمعیت آماری را شهروندان بالای ۱۸ سال شهر سمنان می‌باشد که بنابر سرشماری سال ۱۳۹۰ حدود ۱۲۰۱۵۸ نفر گزارش شده است. برای برآورد حجم نمونه از نرم افزار SPSS Sampel Power استفاده گردید. بنابراین حجم نمونه پژوهش در دو مرحله با مدنظر قرار دادن دو نوع تحلیل رگرسیون و تحلیل همبستگی برآورد شده است: تحلیل همبستگی: مطلوب‌ترین مقدار درصد خطا ۰/۰۵ و توان ۰/۸۰ و حجم اثر ۰/۲۰ برای

آین نرم‌افزار با درنظر گرفتن عوامل تاثیرگذار بر حجم نمونه در موقعیت‌های مختلف و متناسب با روش-های آماری تحلیل داده، حجم بهینه نمونه را برآورد می‌کند.

روش‌های تحلیلی آماری مبتنی بر همبستگی است. بنابراین با درصد خطای ۰/۰۵ و توان بالاتر از ۰/۸۰ و حجم اثر ۰/۲۰ حجم نمونه تعداد ۱۵۰ نفر برآورد گردید. نمونه‌گیری نیز به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شده است. بدین ترتیب که پس از تقسیم سمنان به ۵ منطقه (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) و سپس در هر منطقه با تقسیم حجم نمونه بر تعداد مناطق انتخابی، تعداد پرسشنامه‌ای که باید در هر منطقه تکمیل می‌گردید، مشخص شد. در ادامه تعداد پرسشنامه‌ها به تعداد بلوک‌های واقع در هر منطقه تقسیم و یک خانه در هر بلوک به صورت تصادفی ساده انتخاب و سپس سایر منازل واقع در آن بلوک به روش سامانمند با تعیین عدد فاصله انتخاب و نمونه‌گیری در هر منزل به صورت تصادفی ساده از یکی از افراد بالای ۱۸ سال در آن منزل به انجام رسید.

فرضیه‌های پژوهش

هر چه میزان سرمایه اجتماعی افراد پایین‌تر، قانون‌گریزی بیشتر
هر چه بی‌سازمانی اجتماعی در محلات بیشتر، قانون‌گریزی بیشتر
هر چه پایگاه اقتصادی-اجتماعی شهروندان بالاتر، قانون‌گریزی کمتر
بین میزان قانون‌گریزی شهروندان و امنیت رابطه معنادار وجود دارد

اندازه‌گیری متغیرها

امنیت:

امنیت واژه‌ای پیچیده و به لحاظ کاربرد از گستردگی وسیعی برخوردار است. از درونی‌ترین افکار و احساسات بشری گرفته تا مهمترین مسائل بین دولت‌ها دربرگیرنده مفهوم امنیت است. فرهنگ لغت آکسفورد، امنیت (Security) را چنین معنا می‌کند: رهایی

از نگرانی‌ها و ایمنی در مقابل خطرات و همچنین معیارهایی قراردادی برای تضمین ایمنی یک کشور، شخص یا چیزی که از ارزشی برخوردار است. همچنین فرهنگ معین امنیت را (ایمن شدن، بی‌بیمی و در امان بودن) معنا کرده است.

قانون‌گزیزی :

قانون‌گزیزی؛ رفتاری است که از مخالفت رسمی با قوانین جامعه نتیجه می‌شود و قانون‌گریز کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد، قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد (فیروزجائیان، ۱۳۸۶: ۳۴). در حقیقت باید گفت که قانون مجموعه‌ای از قواعد رفتاری است که از طریق مجاری رسمی جامعه شکل مدون به خود می‌گیرد و اجرای آن برای همه افراد جامعه لازم است. این قواعد بخش‌های مختلف جامعه را تحت سیطره خود قرار می‌دهد. نتیجه این کنترل نظم اجتماعی است (بابائی، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

مصادیق متعدد قانون‌گزیزی به عنوان یک رفتار نامتعارف در ذهن بسیاری از افراد جامعه مورد ارزیابی منفی قرار می‌گیرد. قانون‌گزیزی در رانندگی و تخلف از قوانین راهنمایی و رانندگی، قانون‌گزیزی در مالیات و تعهدات مالی، قانون‌گزیزی و انحراف در ورزش، گریز از قوانین نظم عمومی، زیر پا نهادن حقوق دیگران و بی‌توجهی به حقوق شهروندان، بی‌توجهی به قوانین آپارتمان نشینی، قانون‌گزیزی در فضای مجازی، قانون‌گزیزی در بستر علم و دانش و هر رفتاری که بخشی از قواعد جاری جامعه را نادیده گرفته و حقوق اجتماعی دیگران را پایمال کند، به نوعی قانون‌گریز است. در پژوهش حاضر با بکارگیری ۱۲ گویه، میزان قانون‌گزیزی شهروندان در چهار حوزه ترافیک و رانندگی، نظم عمومی، فضای مجازی و حوزه امنیت اخلاقی سنجیده شد. در این تحقیق از گویه‌هایی مانند «اگر هنگام رانندگی جریمه در کار نباشد، احتمال دارد تخلف کنم»، «در صورت اضطرار در محل پارک ممنوع پارک می‌کنم»، «همواره از کمربند استفاده می‌کنم»، «در صورت توان فنی مایلم از اطلاعات خصوصی افراد در شبکه‌های اجتماعی مطلع شوم»، «برخورد قانونی با روابط نامتعارف دختران و پسران را مناسب نمی‌دانم» و «

در صورت پایداری شدن حقوق خود، استفاده از هر ابزاری برای رسیدن به حق خود را مجاز می‌دانم» برای سنجش قانون‌گریزی شهروندان استفاده شد.

بی‌سازمانی اجتماعی:

این مفهوم به ساختار نامناسب محیط و ناهنجاری‌های موجود در این اماکن اشاره دارد و آمار بالای انحرافات و جرائم را با خصایص زیست‌بوم محله مرتبط می‌داند. در محله‌های بی‌سازمان شاهد بی‌زاکتی اجتماعی و ساختاری که مشخصه آن حضور جوانان آشوبگر، فاحشه و افراد مست و ولگرد و وجود توده‌های زباله، دیوار نویسی، مکان‌های متروک، ساختمان‌های فرسوده، پرسه‌زنی، سروصدا، تراکم بالای جمعیت، استفاده از الفاظ رکیک، کثیفی و بوی تعفن است، هستیم.

بی‌سازمانی اجتماعی در این پژوهش با استفاده از ۹ گویه در طیف لیکرت سنجیده شد. با استفاده از گویه‌هایی مانند «آرامش خاصی در محله ما وجود دارد»، «معمولاً پرسه زنی افراد در محله ما مشاهده می‌شود»، «نور و روشنایی در خیابان‌های محله ما مناسب است» مفهوم بی‌سازمانی اجتماعی که وضعیت محله مسکونی پاسخگویان را برآورد می‌کند، سنجیده شد.

سرمایه اجتماعی:

سرمایه اجتماعی، جمع منابع واقعی و بالقوه‌ای است که حاصل شبکه بادوام از روابط کمابیش نهادینه‌شده‌اشنایی و شناخت متقابل یا به بیان دیگر عضویت در یک گروه است. این شبکه هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق کسب اعتبار می‌سازد. این روابط ممکن است فقط در حالت عملی در مبادلات مادی و یا نمادینی که آنان را در حفظ آن روابط کمک می‌کند، وجود داشته باشد. بدین‌سان حجم سرمایه اجتماعی یک فرد به اندازه شبکه پیوندهایی بستگی دارد که او می‌تواند به طرز مؤثر بسیج کند (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۴۸). سرمایه اجتماعی در این تحقیق با تلفیق ۹ گویه که میزان روابط، اعتبار و مشارکت افراد در محله زندگی‌شان را برآورد می‌کند، سنجیده شد. برخی از گویه‌های بکارگرفته شده برای سنجش سرمایه اجتماعی: «عضو یکی

از اجتماعات محل هستیم»، «اهالی محل را به‌خوبی می‌شناسم»، «اگر شرایط لازم را داشتم محله دیگری را برای زندگی انتخاب می‌کردم» و «کمتر با همسایه‌ها در مورد موضوعات مختلف اجتماعی گفت‌وگو می‌کنم.»

پایگاه اقتصادی-اجتماعی:

این متغیر در تحقیق حاضر از ترکیب درآمد، شغل و تحصیلات افراد جامعه نمونه به دست آمد.

روایی و پایایی مقیاس‌ها

اعتبار مقیاس‌های مورد استفاده در پژوهش از طریق اعتبار محتوا ارزیابی شد که صحت و ربط منطقی گویه‌ها با شاخص‌ها از سوی متخصصان این حوزه مورد تأیید قرار گرفت. برای تعیین پایایی مقیاس اندازه‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج آن پایایی بالای متغیرهای تحقیق را تأیید کرد.

یافته‌ها و نتایج تحقیق

قانون‌گریزی و بی‌توجهی افراد به اشکال مختلف قوانین اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از جمله مسائلی است که حکومت‌های قانونی همواره با آن دست به‌گریبان بوده و به دنبال راهکاری برای گرایش شهروندان به قانون و هم‌نوایی بیشتر آن‌ها بوده‌اند. آمارها و واقعیت‌های متعدد اجتماعی که از سوی نهادهای رسمی کشور گزارش می‌شود و به بخشی از آن در فصل نخست نیز اشاره شد، از وجود پررنگ این مسئله در جامعه ما حکایت دارد. از آمار چندبرابری سوانح رانندگی و قربانیان این حوادث نسبت به کشورهای دیگر که عامل انسانی در بی‌توجهی به قوانین بیشترین سهم را در این پدیده

برعهده دارد گرفته تا تخریب بی‌رحمانه محیط زیست، رفتارهای ناهنجار فردی و اجتماعی در فضای مجازی و از همه مهمتر، فسادهای کلان اقتصادی که افشای آنها در سال‌های اخیر، خاطر بسیاری از مردم را آزوده و چنانچه برای آن راهکاری اساسی اندیشیده نشود، در طولانی مدت خود عاملی در تقویت رفتار قانون‌شکنانه در بدنه اجتماع خواهد شد.

اگر چه در بسیاری از موارد قانون شکنی، قانون‌گریزی و بی‌توجهی به مقررات، رفتاری فردی توصیف و تلقی می‌شود، ولی بدون تردید تأثیر منفی و مخرب آن را سایر افراد و به طور کلی اجتماع متحمل می‌شود. از سوی دیگر در بسیاری از موارد این اجتماع انسانی است که افراد را به سمت و سوی قانون‌گریزی سوق می‌دهد. در این پژوهش علاوه بر سنجش و تحلیل علل فردی قانون‌گریزی شهروندان در جامعه از قبیل؛ سن، جنس، شغل، پایگاه اقتصادی اجتماعی، به مقولاتی از قبیل پیوند و سرمایه اجتماعی و بی‌سازمانی - اجتماعی در شکل‌گیری این مسئله پرداخته است. سیمای کلی نمونه مورد بررسی نشان می‌دهد ۴۹ درصد از پاسخگویان زن و ۵۱ درصد مرد هستند. ۲۲/۷ درصد از نمونه‌های مورد بررسی در پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین، ۵۸ درصد متوسط و ۱۹/۳ درصد نیز در پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا قرار دارند.

جنسیت و قانون‌گریزی:

جنسیت و ارتباط آن با متغیر وابسته یکی از مسائلی است که در اغلب تحقیقات اجتماعی به آن پرداخته می‌شود. در تحقیقاتی که قبلاً با موضوع قانون‌گریزی صورت گرفته، تمایل مردان نسبت به گریز از قانون بیشتر از زنان بوده است. در حالی که در این پژوهش محقق به این نتیجه رسید که زنان نسبت به سال‌های قبل از میزان قانون‌گریزی بیشتری برخوردارند، ولی همچنان مردان با توجه به اینکه بیشتر در معرض و مواجهه با قانون هستند، از میزان قانون‌شکنی بالاتری برخوردارند. نتایج آزمون t با دو نمونه مستقل در خصوص تفاوت میانگین قانون‌گریزی بین دو گروه مردان و زنان است. این آزمون ($t = 02319/2$ و $sig - 022/0$) گویای این است که متغیر جنسیت بر قانون‌گریزی تأثیرگذار است. تفسیر نتایج جدول دو بعدی جنسیت و قانون‌گریزی، این تأثیرگذاری را تایید می‌کند.

کند. البته شدت تاثیر جنسیت بر رفتار قانون گریزانه متوسط رو به پایین است و مردان بیشتر از زنان قانون را زیر پا می گذارند.

پایگاه اقتصادی- اجتماعی و قانون گریزی:

پایگاه اقتصادی- اجتماعی پاسخگویان با توجه به تقسیم بندی امتیازها به سه گروه پایین، متوسط و زیاد، حداقل آن سه و حداکثر ۱۲ است. نتیجه جدول بیانگر ۲۲/۷ درصد با پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین، ۵۸ درصد متوسط و ۱۹/۳ درصد بالا است و نشان می دهد تنها ۲۲/۷ درصد از شهروندان پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایینی دارند و مابقی حدود ۷۵ درصد پایگاه اقتصادی- اجتماعی متوسط رو به بالایی را نشان می دهد. با توجه به یافته های جدول و نتایج همبستگی اسپیرمن، با اطمینان ۰/۹۹ و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ رابطه آماری بین دو متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی و قانون گریزی وجود دارد. از طرفی مقدار این رابطه که برابر با ۰/۳۲۳- است، دلالت بر همبستگی متوسط و البته معکوس بین این دو متغیر دارد. بدین معنی که هر چه پایگاه اقتصادی- اجتماعی شهروندان بالاتر باشد، قانون گریزی آنان کمتر خواهد بود. پایگاه اقتصادی- اجتماعی در این پژوهش ترکیبی از درآمد، تحصیلات و شغل در نظر گرفته شده است.

سرمایه اجتماعی و قانون گریزی:

سرمایه اجتماعی با طرح ۹ گویه ساخته شد و با توجه به اینکه امتیازها به سه گروه پایین، متوسط و زیاد تقسیم شده است حداقل آن ۹ و حداکثر آن ۴۵ بود. بر اساس نتایج بدست آمده ۸ درصد از پاسخگویان دارای سرمایه اجتماعی پایین، ۵۸/۷ درصد متوسط و ۳۳/۳ درصد با سرمایه اجتماعی بالا هستند و در مجموع حدود ۶۷ درصد از پاسخگویان سرمایه اجتماعی متوسط رو به پایین و حدود ۳۳ درصد از آنان دارای سرمایه اجتماعی بالا هستند.

جدول دو بعدی رابطه سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی

جمع	قانون‌گریزی					متغیر سرمایه
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۱۲	۵	۵	۲	۰	۰	پایین
۸۸	۱	۱۷	۴۴	۲۵	۱	متوسط
۵۰	۱۱	۳۱	۸	۰	۰	بالا
۱۵۰	۶	۲۲	۵۴	۵۶	۱۲	جمع

با توجه به یافته‌های جدول و نتایج بدست آمده از جدول همبستگی پیرسون، می‌توان گفت که با اطمینان ۰/۹۹ و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ رابطه آماری بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی رابطه وجود دارد. از طرفی مقدار این رابطه که برابر با ۰/۷۰۲- می‌باشد، دلالت بر همبستگی بسیار قوی و معکوس (منفی) بین این دو متغیر دارد. بدین معنی که هر چه سرمایه اجتماعی شهروندان بالاتر باشد، قانون‌گریزی آنان کمتر خواهد بود. به عبارتی هرچه سرمایه اجتماعی افراد افزایش یابد، قانون‌گریزی آنان به نسبت بسیار قوی کاهش خواهد یافت.

بی‌سازمانی اجتماعی و قانون‌گریزی:

بی‌سازمانی اجتماعی به تأثیر محیط بر رفتار افراد اشاره دارد. محله‌ای مسکونی که از سازمان اجتماعی مناسبی برخوردار نیست و در آن شاهد بی‌نزاکتی‌های اجتماعی و ساختاری که مشخصه آن حضور جوانان آشوبگر، فاحشه و افراد مست و ولگرد و وجود توده‌های زیباله، دیوار نویسی، مکان‌های متروک، ساختمان‌های فرسوده، پرسه‌زنی، سروصدا، تراکم بالای جمعیت، استفاده از الفاظ رکیک، کثیفی و بوی تعفن است، هستیم، زمینه برای بروز رفتارهای نابهنجار و قانون‌شکنانه فراهم است.

بر اساس نتایج بدست آمده ۳۷/۳ درصد از پاسخگویان بی‌سازمانی اجتماعی پایین ۶۲درصد متوسط و ۰/۷درصد بی‌سازمانی اجتماعی بالا را در محلات زندگی‌شان گزارش می‌کنند و در مجموع حدود ۳۷درصد از پاسخگویان بی‌سازمانی اجتماعی پایین و حدود ۶۳درصد از محله‌های آنان بی‌سازمانی اجتماعی متوسط و رو به بالایی دارد.

جدول دوبعدی بی‌سازمانی اجتماعی و قانون‌گریزی

جمع	قانون‌گریزی					متغیر
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نابسامانی اجتماعی
۵۶	۰	۳	۱۳	۲۱	۹	پایین
۹۳	۶	۱۹	۴۰	۲۵	۳	متوسط
۱	۰	۰	۱	۰	۰	بالا
۱۵۰	۶	۲۲	۵۴	۵۶	۱۲	جمع

با توجه به یافته‌های جدول و نتایج بدست آمده از جدول همبستگی پیرسون، می‌توان گفت که با اطمینان ۰/۹۹ و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ رابطه آماری بین دو متغیر بی-سازمانی اجتماعی و قانون‌گریزی معنادار است. از طرفی مقدار این رابطه که برابر با ۰/۴۳۸ می‌باشد، دلالت بر همبستگی قوی و مستقیم (مثبت) بین این دو متغیر دارد. بدین معنی که هر چه بی‌سازمانی اجتماعی در محلات زندگی شهروندان بیشتر باشد، قانون‌گریزی آنان نیز بیشتر خواهد بود. به عبارتی هرچه بی‌سازمانی اجتماعی افزایش یابد، قانون‌گریزی نیز به نسبت قوی‌تر خواهد شد.

رگرسیون خطی چندگانه

با استفاده از رگرسیون چند متغیره، محقق می‌تواند رابطه خطی موجود در مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل با یک متغیر وابسته را به شیوه‌ای مطالعه نماید که در آن، روابط موجود

فیمابین متغیرهای مستقل نیز مورد ملاحظه قرار گیرد. وظیفه رگرسیون این است که به واریانس متغیر وابسته کمک کند و این وظیفه تا حدودی از طریق برآورد مشارکت متغیرها در این واریانس به انجام می‌رسد. تحلیل رگرسیون چند متغیره برای مطالعه تأثیرات چند متغیر مستقل در متغیر وابسته کاملاً مناسب است (کرلینجر، ۱۳۷۷: ۱۲-۱۱). در مجموع، هدف اصلی از کاربرد رگرسیون چند متغیره آن است که ترکیبی خطی از متغیرهای مستقل را به گونه‌ای ایجاد کند که حداکثر همبستگی را با متغیر وابسته نشان دهد. در نتیجه از این ترکیب خطی می‌توان در پیش‌بینی مقادیر متغیر وابسته استفاده و اهمیت هر یک از متغیرهای مستقل را در پیش‌بینی مورد نظر ارزیابی نمود (همان: ۳۷۶).

در تحقیق حاضر برای تبیین میزان تأثیر متغیرهای مستقل (سرمایه اجتماعی، نابسامانی اجتماعی و احساس انومی) بر متغیر وابسته (قانون‌گریزی) از تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره بهره بردیم.

جدول خلاصه مدل رگرسیون چند متغیره

تعداد مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین شده	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد
۱	۰/۷۸۱	۰/۶۰۹	۰/۶۰۱	۵/۸۵۰

جدول بالا خلاصه مدل را نشان می‌دهد. مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰/۷۸۱ می‌باشد که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق، همبستگی بسیار قوی وجود دارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (R²) که برابر با ۰/۶۰۱ است نشان می‌دهد که ۶۰ درصد از کل تغییرات قانون‌گریزی در بین شهروندان سمنانی وابسته به سه متغیر مستقل ذکر شده در این معادله است. به عبارت دیگر، مجموعه متغیرهای مستقل، بیش از نیمی از واریانس متغیر وابسته (قانون‌گریزی) را پیش‌بینی می‌کنند. جدول بعدی نتایج مربوط به میزان تأثیر هر متغیر در مدل را نشان می‌دهد.

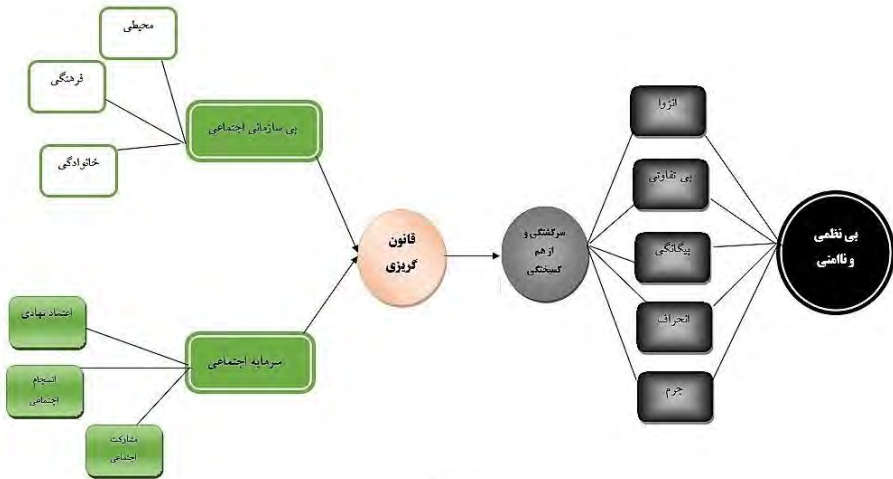
جدول میزان تاثیرپذیری قانون‌گزیزی از متغیرهای مستقل

sig	T	مدل=۱			
		ضریب استاندارد	خطای استاندارد	ضریب استاندارد نشده	
۰/۰۰۰	8/308	-	4/096	34/032	عدد ثابت ^۳
۰/۰۰۰	-7/036	-0/453	1/005	-7/070	سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۳	3/069	0/172	1/043	3/200	نابسامانی اجتماعی

بخش اول این جدول، ضرایب تاثیر رگرسیونی هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. در این بخش تفسیر ضرایب رگرسیونی براساس بتا (beta) یا همان ضرایب رگرسیونی استاندارد شده انجام می‌گیرد. زیرا این آماره نشان دهنده ضریب رگرسیونی استاندارد شده هر متغیر مستقل بر روی متغیر وابسته تحقیق می‌باشد. بنابراین، می‌توانیم با استفاده از آن، سهم نسبی هر متغیر مستقل را در مدل مشخص کنیم. مقایسه متغیرها نشان می‌دهد؛ اول اینکه تاثیر متغیرهای سرمایه و بی‌سازمانی اجتماعی بر قانون‌گزیزی معنادار است. چرا که سطح خطای مقدار t آنها کمتر از ۰/۰۵ است و دوم اینکه متغیر سرمایه اجتماعی با ضریب رگرسیونی ۰/۴۵۳ بالاترین ضریب رگرسیونی را بر متغیر قانون‌گزیزی دارد. پس از آن متغیر نابسامانی اجتماعی با ضریب ۰/۱۷۲ بر قانون‌گزیزی تاثیر دارد. به عنوان مثال به تفسیر متغیر «سرمایه اجتماعی» بسنده می‌کنیم. در مورد این متغیر، نتیجه را می‌توان بدین شکل تفسیر نمود که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر سرمایه- اجتماعی، میزان قانون‌گزیزی در فرد به میزان ۰/۴۵۳ انحراف استاندارد کاهش خواهد یافت.

^۳ عدد ثابت؛ همان عرض از مبدا است و میزان متغیر وابسته را بدون دخالت متغیرهای مستقل (یعنی زمانی که متغیرهای مستقل صفر است) نشان می‌دهد.

مدل تجربی تحقیق



نتیجه‌گیری

زندگی اجتماعی برای انسان یک ضرورت انکار ناپذیر و لازمه آن نظم، امنیت و عدالت است. در این راستا هر چیزی که بتواند زندگی اجتماعی را برای انسان کارآمدتر سازد، باید مورد توجه قرار گیرد. از جمله این پدیده‌ها قانون است که انسان‌ها در پرتو آن می‌توانند علاوه بر بهره‌مندی از زندگی اجتماعی، از حقوق طبیعی خود نیز برخوردار شوند. بنابراین می‌توان گفت که محور استحکام و انسجام هر جامعه‌ای، توجه به قانون و رعایت آن است. از سوی دیگر ضعف قانون و اجرای آن و ترویج رفتار قانون‌شکنانه اعضای جامعه موجب پدید آمدن اختلال در روند عادی زندگی و شکل‌گیری آسیب‌ها و جرایمی می‌شود که به طور یقین ناامنی یکی از نتایج آن خواهد بود.

همانطور که قبلاً نیز گفته شد، مجموعه عوامل مختلفی در ایجاد و ترویج قانون‌گریزی در اجتماع موثر هستند. عوامل فردی، بوم‌شناختی، زیستی، روانشناسی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از جمله این موارد هستند. اما به نظر می‌رسد برای شناخت کامل علل و عوامل بی‌توجهی شهروندان نسبت به قانون باید ضمن پرداختن به عوامل فردی قانون‌گریزی، علل اجتماعی آن را نیز مدنظر قرار داد. در این تحقیق مجموعه عوامل فردی، فرهنگی و اجتماعی در متغیر قانون‌گریزی مورد بررسی و سنجش قرار گرفت. برابر نتایج بدست آمده در این پژوهش در رفتار ۹۲ درصد از شهروندان قانون‌گریزی وجود دارد و بالغ بر ۶۵ درصد از شهروندان قانون‌گریزی متوسط رو به بالا دارند و بر اساس آزمون‌های آماری این پژوهش در بخش کمی، ۶۰ درصد از کل تغییرات قانون‌گریزی در بین شهروندان سمنانی وابسته به متغیرهای مستقل سرمایه و پیوند اجتماعی و بی‌سازمانی اجتماعی است. به عبارت دیگر، مجموعه متغیرهای مستقل ذکر شده، بیش از نیمی از واریانس متغیر وابسته (قانون‌گریزی) را پیش‌بینی می‌کنند. حرکت هماهنگ و همراه با جامعه و گام برداشتن در مدار قانون یکی از ضروریات پیشرفت و توسعه زندگی فردی و اجتماعی است. بدون تردید اکثر اعضای اجتماع به دنبال پیشرفت و حرکت به جلو در زندگی فردی و جمعی خویش هستند. چنانچه قوانین جامعه تسهیل‌کننده دستیابی افراد به اهدافشان باشد، همراهی با قانون به خودی خود اتفاق می‌افتد و جامعه قوانینی را که به آنها برای رسیدن به اهدافشان کمک کند را به طور یقین راحت‌تر پذیرفته و به آن عمل می‌کنند. از سوی دیگر قوانینی را در نظر بگیرید که خود مانعی برای رسیدن افراد به پیشرفت و تعالی باشند و یا به عبارت دیگر مجریان قانون در جامعه آن را به نحوی پیاده سازند که سدی برای زندگی اجتماعی و حرکت عمومی شود، مقابله با قوانین چنین جامعه‌ای به مرور رسمیت می‌یابد و مردم در برابر قوانین هر چند قوانین رسمی کشور جبهه گرفته و با قانون‌شکنی حتی قوانین خرد اجتماعی، به مقابله با آن می‌پردازند.

پیشنهاداتی برای ترویج قانون‌گرایی در جامعه براساس یافته‌های تحقیق

اول؛ شهروندی رابطه نزدیکی با قانون‌گرایی دارد و قانون‌گریزی نقطه مقابل شهروندی است. زیرا شهروندی علاوه بر اینکه دربرگیرنده حقوقی خاص برای شهروندان است، مسئولیت‌هایی نیز برای آنان در پی دارد. لذا جامعه‌ای که شهروندی در آن شکل نگرفته، جامعه‌ای است که نه تنها حقوقی برای شهروندان در آن وجود ندارد، بلکه افراد نیز مسئولیتی در قبال جامعه برای خود قائل نیستند. برای اینکه شهروندانی مسئولیت‌پذیر داشته باشیم، نه تنها که باید برای آنان حقوقی مشخص در نظر گرفته شود، بلکه رعایت آن حقوق از طرف دستگاه حاکمه باید اصل قرار بگیرد. وقتی برای افراد جامعه حقوقی در نظر گرفته نشود یا حقوق تعریف شده در قانون اساسی در قبال آنان رعایت نشود، نباید از آنان انتظار مسئولیت‌پذیری و هم‌نوایی در جامعه داشت.

دوم؛ مشارکت عمومی موجب پیوستگی افراد با جامعه می‌شود. هر چه افراد از روابط مدنی و رسمی بیشتری برخوردار باشند، پیوند آنها با جامعه بیشتر و رفتارهای جمع‌گرایانه آنها بیشتر خواهد شد. لازمه این کار فراهم کردن زمینه برای مشارکت افراد در جامعه است. سازمان‌هایی مانند نیروی انتظامی در سال‌های اخیر با اتخاذ رویکردی مردم‌محوری اقدامات مناسبی برای رشد مشارکت‌های مدنی افراد انجام داده است که این امر لازم است در تمامی نهادها و دستگاه‌های متولی نهادینه شود. چرا که وقتی سازوکارها و مسیرهای مشارکت برای افراد در جامعه فراهم نباشد، راهی جز حل فردی و خانوادگی مسائل باقی نمی‌ماند.

سوم؛ کارگزاران و مجریان قانون تأثیر زیادی بر قانون‌گرایی یا قانون‌گریزی در جامعه دارند، زیرا آنان هم باید قانون را به تصویب برسانند، هم از آن تبعیت کنند و ناظر اجرای آن در جامعه باشند. از این رو نقش آنان در قانون‌گرایی و قانون‌گریزی افراد در جامعه چشمگیر و موثر است. براین اساس قانون‌گذاران و مجریان آن باید از مشروعیت، تخصص و توانایی لازم برخوردار باشند. متولیان قانون در جامعه بر نحوه اجرای قانون نظارت کافی داشته باشند. رعایت انصاف و عدالت اصل محوری در اجرای قانون است. لذا مجریان

قانون اعم از قضات، پلیس و سایر کارکنان ادارات، باید رویکرد منصفانه‌ای برای اعمال قانون داشته باشند. بی‌اعتمادی مردم به دستگاه حاکمیت مهم‌ترین متغیر تاثیرگذار بر احساس انومی شهروندان و قانون‌گریزی افراد در جامعه است. وقتی افراد ببینند که مجریان و مسئولان قوانین رارعايت نمی‌کنند، آنان نیز میلی به رعایت قوانین نخواهند داشت. لذا برای افزایش قانون‌گرایی در جامعه به نوعی اعتمادسازی از طرف کارگزاران قانون نیاز است.

و چهارم؛ آگاه نبودن افراد از قوانین هم می‌تواند تا حدودی موجب قانون‌گریزی شود. براین اساس پیشنهاد می‌شود: قوانین، به ویژه قوانین عمومی و شهروندی از طریق رسانه‌ها و وسائل ارتباط جمعی به اطلاع مردم برسد. قانون و قانون‌گرایی از ابتدای دوران کودکی و آغاز دوره تحصیل و در سنین پایه آموزش داده شود و درون آنان نهادینه شود. در موارد بسیاری افراد به دلیل آگاه نبودن از هزینه‌های قانون‌گریزی به راحتی مرتکب آن می‌شوند. از این رو اطلاع رسانی در این خصوص نیز می‌تواند بازدارندگی قانون را تقویت کند.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۲). نظریه های جامعه شناسی. تهران: نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۹). روش های کاربردی تحقیق. تهران: انتشارات تهران، چاپ دوم.
- اکبری، ابوالقاسم (۱۳۹۰). آسیب شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات رشد و توسعه، چاپ اول.
- بابایی، یحیی (۱۳۷۷). رگرسیون چندمتغیره در نرم افزار آماری SPSS. تهران: موسسه نشر جهاد، چاپ اول.
- بابایی، یحیی و فیروزجائیان، علی اصغر (۱۳۸۸). تحلیل جامعه شناختی عوامل موثر بر قانون گریزی. فصل نامه دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره چهارم.
- بخارایی، احمد (۱۳۹۳). جامعه شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: نشر جامعه شناسان، چاپ سوم.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۴). جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: انتشارات شیرازه.
- حیدری، آرش و رضادوست، کریم و فروتن کیا، شهرزاد (۱۳۹۱). نظریه از هم گسیختگی نهادی و قانون گریزی. تهران: فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره دوم.
- دانایی فرد، حسن و آذر، عادل و صالحی، علی (۱۳۸۹). قانون گریزی در ایران. تهران: فصلنامه دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره سوم.
- دواس، دی ای (۱۳۹۳). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشرنی، چاپ شانزدهم.
- رابینگتن، ارل (۱۳۸۲). رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی ایران. ترجمه رحمت الله صدیق سروستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهشی در زمینه آنومی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، دوره ششم، شماره سوم.
- ریتزر، جورج داگلاس جی، گودمن (۱۳۹۳). نظریه های جامعه شناسی مدرن. ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفی زاده، تهران: نشر جامعه شناسان، چاپ دوم.

- زلفعلی-فام، جعفر (۱۳۹۳). کج-روی، بزهکاری و انحراف‌های اجتماعی. تهران: مقالات دومین همایش ملی سیب‌های اجتماعی در ایران، دفتر انتشارات آگاه.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۲). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ هفتم.
- سوادیان، پروین (۱۳۹۱). شکاف نسلی میان دختران و مادران در انتظار نقش از دختران. تهران: رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: انتشارات آن.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۳). بررسی مسائل اجتماعی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- عبداللهی، محمد (۱۳۷۸). موانع قانون-گرایی و راه‌های مقابله با آن در ایران. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- علیخواه، فردین (۱۳۹۳). سنجش مفاهیم در پیمایش‌های اجتماعی. تهران: نشر جامعه‌شناسان، چاپ دوم.
- قراگوزلو، محمد (۱۳۷۶). جامعه مدنی و قانون-گرایی. شیراز: چاپ دانشگاه شیراز، ص ۲۸-۳۸.
- کرسول، جان و پلانو کلارک، ویکی (۱۳۹۰). روش‌های پژوهش ترکیبی. ترجمه علیرضا کیامنش و جاوید سرایی، تهران: نشر آبیژ، چاپ دوم.
- کرلینجر، فرد آن (۱۳۹۳). مبانی پژوهش در علوم رفتاری. ترجمه حسن پاشا شریفی، جعفر نجفی زند، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ پنجم.
- کرلینجر، نیکلاس فرد و الازار پدهاوزر (۱۳۶۶). رگرسیون چندمتغیری در پژوهش رفتاری. ترجمه حسن سرایی، تهران: انتشارات سمت.
- کلاتتری، صمد و رسول، ربانی و کامران، صداقت (۱۳۸۴). ارتباط فقر با قانون-گریزی و شکل‌دهی آسیب‌های اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه، فصلنامه علمی ترویجی، سال پنجم، شماره ۵.
- کی-نیا، مهدی (۱۳۷۰). مبانی جرم‌شناسی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
- محسنی، علی (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی قانون-گریزی و راهکارهایی برای قانون-گرایی و نظم عمومی. تهران: فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال پنجم، شماره اول.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۸). بررسی گرایش به اطاعت از قانون در ایران. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- محمدی، حیدر (۱۳۹۱). شیوه‌های قانون-گرایی از دیدگاه نهج البلاغه. کرمان: نشر فرهنگی ثارالله (ع)، خلاصه مقالات همایش بزرگ امام علی (ع) و نهج البلاغه، ص ۲۴۴.

محقق-داماد، سید مصطفی (۱۳۷۶). قانون‌گرایی و قانون‌گذاری در جامعه مدنی. تهران: نشر بخارا، شماره ۱۲.

مومنی، پروین (۱۳۸۰). قانون‌گریزی و علل و عوامل آن. تهران: نشریه وکالت، شماره ۵ و ۶.

Haggerty K. D and Ericson R. V. (2000) "The surveillance assemblage" British Journal of Sociology, Vol. 51, N.4.

Merton, R. K.(1968),Social Theory and Social Structure, New York:Free Press.

Hirshi , T. Gottfredson, M. (1983), "Age and The Explanation of Crime", American journal of Sociology. Vol. 89. No. 32.

Hirt.Nicole (2010), Dreams don,t com true in Eritrea: Anomie And family disintegration due to the structural militarization of society, German Institute of Global Area Studies: Research program.

Lafree. Gray. (2007), Exanding criminology,s domain. Criminology. Vol 45. No 1.



Social factors affecting the rule of law and its impact on security Case study of Semnan city

Seyed Mohamad shahcheragh ^{4*}

Received: 2017/10/12

Accepted: 2017/12/06

Abstract

Order and security are one of the requirements of social life, and people in these conditions learn norms, values, customs and social laws and consider it as a part of their personality. Life in today's societies is almost impossible without a law that regulates the relations of individuals and institutions and institutions. By lawlessness, threats to the order and security of every society are severely threatened. The present research seeks to answer the question of what are the individual and social factors of the escape rule and what impact does this process have on social security? Survey method and data were collected by interviewing and completing the questionnaire. The statistical population consisted of citizens over 18 years of age living in Semnan city. Sampling was done by multi-stage cluster sampling. The theoretical framework of the research was designed on the basis of the Durkheim-Mortén social linkage theory and the Ecological Theory of the School of Chicago and the sociological theories of the field of security.

Findings of the research show that there is a direct and significant relationship between social capital of individuals and social organization of the neighborhoods in which they are living with the law of escapement, using parametric and nonparametric tests. Also, immigrants and non-native people have a lower social bonding rate than indigenous peoples of the region, with the community and others, and therefore more legislation is observed in their behavior, and if these conditions continue, the legislators are somewhat disturbed and helpless. And there will be a deliberate, deliberate, and protest-breaking law of law in the community that will promote this anomie and incoherence of society towards insecurity.

Key words: Legislation, Social Capital, Unorganized, Security, Semnan

^{4*}- Ph.D. student of sociology of Tehran University of Science and Research